

انطباق زبان الگو با معماری بومی روستایی ایران در راستای پایداری محیط (مطالعه موردی، دهستان نفور)

ملیکا کیوانی نژاد

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

شهره تاج^۱

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

هما صالحی

استادیار مدعو جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۰۸ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹

چکیده

معماری بومی معماری است که به نیازهای انسان، در ارتباط با خود، جامعه، جهان پیرامون و طبیعت پاسخ مناسب داده و بر مبنای هویت انسان، به صورت حرکتی پویا در طول زمان شکل گرفته است. زندگی روستایی نیز، نوعی از زندگی همراه با تولید و مبتنی بر ساختارهای بومی است که این ساختارها، به خصوص در گذشته نمادی از هویت و بیانگر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نیز معرف شرایط اقلیمی منطقه بوده است. در مناطق روستایی، زبان الگوی معماری بیشتر با ابعاد محیطی معماری بومی، انطباق دارد و کریستوفر الکساندر اولین بار با مطرح کردن نظریه زبان الگو گامی مؤثر در این زمینه برداشت. به اعتقاد وی تمامی بناهایی که تاکنون ساخته شده‌اند چه سنتی و چه نوین همگی آن‌ها شکلشان را از زبان‌هایی می‌گیرند که سازندگان‌شان به کار می‌برند؛ و این زبان است که به ساختار معنا و مفهوم می‌بخشد و آن را از بی‌هویتی ناشی از آن نجات می‌دهد. عوامل تعیین‌کننده معماری بومی را می‌توان همان عوامل (مولدهای) توسعه پایدار یعنی: طبیعت، مردم (جامعه)، ساخت و الگو، دانست. لذا در مقاله پیش رو سعی بر این است تا الگوهای مؤثر بر زبان الگوی معماری بومی روستایی و تأثیر آن در توسعه پایدار روستاها و اکاوی شود. به عبارتی در این مقاله مسکن روستایی از دیدگاه معماری مورد بررسی قرار گرفته و به جایی می‌رسد که وجه اشتراک و درهم‌تنیدگی خاصی مشاهده می‌شود و وجه افتراق و تمایزی بین آن‌ها مشاهده نمی‌شود. در واقع کشف ارتباطی مستقیم بین این دو (نگاه معماری و زبان الگو در جغرافیای روستایی) از اهداف این مقاله است. روش مقاله توصیفی-پیمایشی است. متغیرهای این پژوهش ذاتاً کیفی هستند، مقادیر عددی به خود نمی‌گیرند، بلکه ارزش‌های کیفی را می‌پذیرند؛ اما با روش‌هایی چون رتبه‌بندی (طیفی از رتبه‌های ارزشی: طیف لیکرت در برابر هر گویه پرسشنامه قرار گرفته)، قابل اندازه‌گیری شده‌اند و می‌توان آن‌ها را مورد تحلیل آماری (آزمون فرضیه) -آزمون استقلال صفات قرار داد.

واژگان کلیدی: معماری بومی، روستا، زبان الگو، توسعه پایدار، مازندران.

مقدمه

زندگی روستایی، نوعی از زندگی همراه با تولید و مبتنی بر ساختارهای بومی است که ساکنان آن اغلب نیازهای خود را در محدوده روستا تأمین می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این نیازها، نیاز به سرپناه و مکانی برای سکونت است. بناهای روستایی، به‌خصوص در گذشته نمادی از هویت و بیانگر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نیز معرف شرایط اقلیمی منطقه بوده است. لذا شکل‌گیری مسکن روستایی تابع شرایط فرهنگی، اقلیمی، اقتصادی، معیشتی و تکنیک ساخت جامعه استفاده‌کننده بوده است (Moeini, 2018: 48). با نگاهی به ساختار بناها و مکان‌های سنتی می‌توان دریافت که هر مداخله در ساختار بنا و مکان سنتی بر مبنای نیاز ساکنین شکل می‌گرفت و طراحی نه بر اساس سبک و غرایض طراح بلکه بر مبنای نیاز ساکنان شکل می‌گرفت. الگوی مسکن روستایی به‌منزله برقرار کننده نسبت میان عناصر آن فرض می‌شود و هر الگو قاعده‌ای است که بیانگر شیوه ساخت است و به عبارت دیگر، الگو زمانی شکل می‌گیرد که انسان‌ها بتوانند با استفاده از آن به فضاها شکل دهند (راهب، ۱۳۹۳: ۷). در واقع می‌توان الگوها را متأثر از عوامل مختلفی دانست به طوری که وقتی ما دنیای اطراف خود را می‌بینیم و سپس با خلاصه کردن آن به‌صورت علت و معلول و استناد به راه‌حلهایی که در شرایط مختلف تکرار می‌شوند، ساختار آن را درک می‌کنیم (Salinas, 2012).

در این میان زبان الگوی کریستوفر الکساندر در تفهیم و به‌روزرسانی معماری سنتی و انتقال معنا و کارکرد به معماری مدرن نقش اساسی دارد. به طوری که ایشان معتقد است بیان الگوها و نقش آن‌ها در ساختاربندی و افزودن آن‌ها به بنا باعث افزایش میزان حیات و کیفیت ساختمان می‌شود (ترابی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). همچنین از این طریق می‌توان معماری سنتی و بومی را حفظ کرد. در امتداد تاریخی این سلسله جریان فکری بر سر الگوها، اشاره کریستوفر الکساندر در نظریه معروف زبان الگو نخستین نقطه روشن در ارائه الگوهای کاربردی در آمیخته با زندگی است که از حیث وقوع و رویداد الگوها در محیط به موضوع پرداخته و تجربیات آن به‌عنوان رویکردی مناسب برای روش‌شناسی پژوهش حاضر اتخاذ گردیده است. انتقادی که می‌توان بر او گرفت آزمون جامعیت نگرش و ارجاع پرسش از الگو به ریشه‌های وجودی آن‌هاست. به طوری که هیچ ابهامی در کیفیات و حالات ممکن و ملزم الگوها باقی نماند. به این حالات در تئوری الکساندر، اشاره‌ای نشده است و بررسی کیفیت الگوها نیز تنها به لحظه رویداد آن‌ها در محیط یا رفتار، محدود گردیده است. لذا در این مقاله سعی شده است با استفاده از کاربرد زبان الگو در شیوه‌های ساخت‌وساز بومی در دو روستا از روستاهای شهرستان سوادکوه، استان مازندران و ارائه طرح بر اساس سازواره زبان الگو بتوان فضاهای منعطف و پاسخگو به نیازهای روستاییان ایجاد کرد؛ بنابراین مقاله حاضر با توجه به مسئله مذکور، معماری را به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در حفظ و ارتقای ویژگی‌های فرهنگی در معماری روستایی آینده معرفی می‌نماید و بدین ترتیب سعی در تدوین یک زبان الگوی تعمیم‌پذیر برای معماری است که به‌وسیله آن بتوان ساخت و ساز را برای معماری روستایی ساماندهی نمود. به طوری که معماری حاصل در عین پذیرش عملکردهایی مطابق با نیازهای امروزی بشر، مکانی منطبق بر سیستم ارزشی پایدار و مداوم فرهنگ روستایی باشد. بدین ترتیب با بررسی عوامل تأثیرگذار بر زبان الگوی معماری بومی و با فرض اینکه در مناطق روستایی، زبان الگوی معماری بومی بیشتر از عوامل محیط طبیعی تأثیر می‌پذیرد، درصدد مطالعه و بررسی عوامل مؤثر هستیم. چرا

که از طریق بررسی این ویژگی‌ها می‌توان به روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، فرهنگی، سنن و آداب مردم در زمان برپایی آن‌ها و نیز چگونگی توسعه و گسترش روستاها پی برد.

این پژوهش بر اساس هدف جزء تحقیقات کاربردی است؛ و در عین حال بر اساس ماهیت و روش و به لحاظ تکیه بر مطالعه چستی و چگونه بودن موضوع و چرایی مسئله و ابعاد آن در طی زمان، تحلیل وضع موجود (الگوهای مسکن بومی روستایی) و ارزیابی ارتباط بین متغیرها، جزء تحقیقات توصیفی-تحلیلی است. زبان الگوی معماری بومی متغیر وابسته پژوهش است که تابع یا به عبارتی متأثر از عوامل محیط طبیعی و انسانی (به‌عنوان متغیر مستقل) است. اینکه زبان الگوی معماری بومی روستاهای مورد مطالعه از چه عواملی پیروی کرده یا تابع چه عواملی بوده‌اند که شامل الگوهای خاص می‌باشند، مسئله و سؤال اصلی این پژوهش است. بر این اساس در جدول شماره ۱ به مؤلفه‌ها و گویه‌های این عوامل و همچنین رویکردها و نگرش‌های مؤثر اشاره می‌شود. ابزار اندازه‌گیری در روش کمی (پرسشنامه) است که موضوع مورد بررسی را قابل اندازه‌گیری کرده است و برای تعیین پایایی (آزمون مقایسه دو نسبت)، استفاده گردیده است و نیز برای سنجش اعتبار و روائی ابزار اندازه‌گیری این پژوهش نیز از روش اعتبار محتوا که به قضاوت داوران یا افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه بستگی دارد، استفاده شده است که میزان روائی پژوهش مورد تأیید واقع شد.

جدول ۱: متغیرهای پژوهش و ابعاد آن‌ها

| شاخص | مؤلفه | گویه |
|------------------------------|------------------|-------------------------------------|
| معماری بومی | زبان الگو | فرم بنا |
| | | جهت‌گیری بنا |
| | | تعداد پنجره، شکل و اندازه آن |
| | | اندازه و جنس دیوار بناها |
| | | شکل بام و جنس آن |
| | | ایوان و حیاط |
| | | ارتفاع اتاق و بازشوها |
| | | آسایش حرارتی بنا |
| | | حفاظت بنا |
| | | میزان تراکم ساختمان‌ها |
| محیط طبیعی (عوامل جغرافیایی) | زمین | تعداد طبقات و کارکرد هر یک |
| | | تعداد، اندازه، شکل و ارتفاع اتاق‌ها |
| | | پی بنا |
| | | شیوه معیشت |
| | | شکل زمین، کمیت و کیفیت آن |
| | | آب |
| | | پوشش گیاهی |
| | | تابش و دما |
| | | بارش و رطوبت |
| | | باد |
| محیط طبیعی (عوامل اقلیمی) | رفتارهای اجتماعی | تعداد، اندازه، شکل و ارتفاع اتاق‌ها |
| | | پی بنا |
| | | شیوه معیشت |
| | | شکل زمین، کمیت و کیفیت آن |
| | | آب |
| | | پوشش گیاهی |
| | | تابش و دما |
| | | بارش و رطوبت |
| | | باد |
| | | روابط قومی و همسایگی |
| محیط انسانی | رفتارهای فرهنگی | امنیت طبیعی و انسانی و حریم |
| | | اعتقادات و باورها |
| | | رسوم و آیین‌ها |
| | | دین و مذهب |
| | | نوع معیشت |
| | | رفتارهای اجتماعی |
| | | امنیت طبیعی و انسانی و حریم |
| | | اعتقادات و باورها |
| | | رسوم و آیین‌ها |
| | | دین و مذهب |
| نوع معیشت | | |

ادامه جدول ۱: متغیرهای پژوهش و ابعاد آن‌ها

| شاخص | مؤلفه | گویه |
|----------|---|---|
| رویکردها | کاربردی | روش به‌کارگیری الگو در جریان زندگی روزمره و در راستای تأمین نیازها |
| | ذهنی | رابطه ذهنی افراد با الگو، رفتار، فعالیت و تجربه سکونت آن‌ها در محیط |
| نگرش‌ها | عینی | ماهیت زبان الگو متأثر از نگرش‌های محیطی و کالبدی است. |
| | منطقی | فرم و ساختار (الگوهای شکلی و تناسبی) |
| | | فضا و عملکرد (الگوهای هندسی و اندازه) |
| | تاریخی- تکاملی | تداوم و تکامل نیاز در طی زمان و متأثر از رویدادها |
| رفتاری | رفتار و فعالیت انسان (انگیزش، ادراک و شناخت) | |
| معنایی | الگوی زبان (تجربه سکونت در محیط و لمس آن) | |
| | الگوی معنا (عناصر محیطی را به زبان ریاضی درآوردن) | |
| محیطی | محیط طبیعی | |
| | محیط انسانی | |
| کالبدی | الگوهای عملکردی (فضا) | |
| | الگوهای ساختاری (فرم) | |
| زبان | الگوی زبان (تجربه سکونت در محیط و لمس آن) | |
| | معنا | الگوی معنا (عناصر محیطی را به زبان ریاضی درآوردن) |
| الگوها | کهن الگو | الگوی عینی (جریان رویدادهای طبیعی و قراین رشد و زوال رایج در آن) |
| | | الگوی ذهنی (به‌صورت ایده در ذهن انسان) |
| | ابتدایی | رفع نیازهای اساسی (غذا، سرپناه، امنیت) |
| | سرمشق و نمونه | الگوهای پایه در گذشته |
| کیفی | ازلی و مثالی | وجود داشتن از قبل از پیدایش انسان |
| | کیفی | کیفیت و سازگاری مطلوب در جهت زنده نگه‌داشتن محیط |
| منطقی | | تبیین درستی |

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

روش این مقاله توصیفی - پیمایشی است. متغیرهای این پژوهش ذاتاً کیفی هستند، مقادیر عددی به خود نمی‌گیرند، بلکه ارزش‌های کیفی را می‌پذیرند؛ اما با روش‌هایی چون رتبه‌بندی و درجه‌بندی (طیفی از رتبه‌های ارزشی: طیف لیکرت با ۵ گرایش از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) در برابر هر گویه / سؤال پرسشنامه قرار می‌گیرد)، قابل اندازه‌گیری شده‌اند و می‌توان آن‌ها را مورد تحلیل آماری (آزمون فرضیه) - آزمون استقلال صفات قرار داد که در ادامه نتایج حاصل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

مسکن واژه‌ای عربی است و ریشه آن از سکن است، مفهوم این واژه آرام گرفتن بعد از حرکت است مسکن اسم مکان است و در معنی به محل سکونت، منزل، مقام، جای آرام، مقر و جایگاه نشیمن اطلاق شده است. (معین: ۴۱۱۴). مسکن روستایی، پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی است که برای فراهم کردن شرایط مناسب زیست، زندگی و معیشت برپا شده است. امروزه تأمین مسکن به‌عنوان یکی از معضلات اقشار گوناگون در نواحی روستایی مطرح است. همچنین مشکلاتی نظیر تکوین و گسترش خودجوش و بدون نقشه قبلی، قدمت اکثر روستاها با بافت فرسوده از دلایل مهم توجه به شاخص‌های استاندارد مسکن روستایی است. از سویی در کنار این شرایط، بسیاری از شاخص‌های مسکن روستایی تحت تأثیر معماری و هویت آن معنا می‌یابد که در بسیاری از ساخت‌وسازهای جدید این معیار مورد توجه قرار نمی‌گیرد (بحرینی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). چنین مسائل و معضلاتی درباره

مسکن روستایی ضرورت توجه به آن در برنامه‌های توسعه فضایی کشور به‌ویژه برنامه‌ریزی روستایی را برای نهادهای ذی‌ربط افزایش می‌دهد.

مهم‌ترین دلایل توجه به مسکن روستایی عبارت‌اند از: تحول شرایط زندگی روستایی و التزام تطابق با شرایط حال، ضرورت کاهش خسارات بلایای طبیعی (سیل، زلزله، طوفان و ...)، الزامات بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن وابسته، فراهم آوردن محیط مناسب زندگی و توازن شهر و روستا و ... از سویی فراهم آوردن شاخص‌های کیفی مسکن در بلندمدت تأثیر شگرفی بر بهبود فضای زیستی روستاها خواهد گذاشت و این منافع تنها منحصر به بعد کالبدی و فیزیکی روستا نخواهد شد (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵: ۳۳). با این تفاسیر پرداختن به موضوع مقاوم‌سازی و نوسازی و بهسازی مسکن روستایی از اهم موضوعات پیش روست. یکی از طرح‌هایی در این زمینه که توسط بنیاد مسکن در سال ۱۳۷۴ هم‌زمان با طرح اصلاحی روان‌بخشی در روستا اجرا شد، طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی است. بهسازی از نظر لغوی به معنای توان بخشیدن دوباره، باز توان بخشیدن و دوباره توانمند کردن است؛ ولی در اصطلاح به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به منظور ابقاء و بهبود کالبد و فضای بافت و بهبود کیفیت زیست بومی روستائیان با بهینه‌سازی ساختار فرهنگی و کالبدی جوامع روستایی در راستای سازمان‌دهی فرآیند توزیع عادلانه امکانات زیربنایی و تسهیلات رفاهی در کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد. مسکن عبارت از مکانی است که در زمان سرشماری یک خانواده در آن سکونت دارد (طالقانی، ۱۳۷۰: ۳).

مسکن به‌عنوان یک مکان فیزیکی و به‌عنوان سرپناه نیاز اولیه و اساسی خانوار به حساب می‌آید در این سرپناه برخی از نیازهای اولیه خانوار یا فرد تأمین می‌شود (اهری، ۱۳۶۷: ۷).

عنصر مسکن روستایی به‌عنوان مأمّن زندگی و کانون تربیت و محل فعل و انفعالات زندگی اقتصادی روستا علاوه بر آنکه نمود عینی و کالبدی روستا را متجلی می‌سازد بلکه به‌مثابه بسته و عنصر بسیار مهم حیات اقتصادی و هویت‌یابی فرهنگی می‌نماید. (فاتح، ۱۳۸۷: ۱۲۳)

مفهوم سکونتگاه

واژه‌ی سکونت، مفهوم گسترده‌تری از سکونت دارد و منظور آن مجموعه‌ای از فعالیت‌های زیستی خانوار است. مفهوم سکونتگاه در برابر مسکن محلی است که تمامی خدمات و تسهیلات ضروری برای بهزیستی خانواده را فراهم می‌سازد مانند بهداشت، آموزش، فرهنگ، روابط اجتماعی (مسکن شهری، ۱۳۶۵: ۱).

مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی کل محیط مسکونی را نیز در برمی‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای به زیستن خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است (دلال پورمحمدی، ۱۳۷۹: ۳).

گاه مسکن به‌صورت بیان هدف‌های کلی ساکنان تعریف می‌شود این تعریف نیز به ابعاد مسکن و حدود نیازهای افراد اشاره نمی‌کند یا اینکه مسکن خوب و کافی یعنی مسکنی که پایین‌تر از حدنصاب نباشد این تعریف بر معیارهای فیزیکی از قبیل تجهیزات و ابعاد ساختمان لوله‌کشی و تسهیلات دیگر آن تأکید دارد مسکن خوب و کافی مسکنی است که ازدحام بیش از حد نداشته باشد در اینجا ازدحام همان تراکم نفر در واحد و در اتاق است که این تعریف به مفهوم زیستی و سکونتی نزدیک می‌شود؛ یعنی ابعاد فضایی و انسانی مسکن را در نظر دارد. در حال

حاضر مسکن تنها یک سرپناه نیست بلکه مجموعه‌ای که به منظور ارائه خدمات فشرده و در یک مکان فیزیکی قرار دارد. این تعریف با توجه به گوناگونی شرایط اجتماعی و اقتصادی خانواده تغییر می‌کند به تعبیر بسیاری از کشورها تعریف گسترده مسکن به نقش و حضور دولت در نگهداری و تأمین خدمات و تسهیلات نیز تأکید دارد.

سرپناه: اولین برداشت از مفهوم مسکن نیاز به یک سرپناه بهداشتی را مطرح می‌سازد سرپناه مانند غذا یک نیاز زیستی و اساسی است و این حق اجتماعی هر فرد و خانواده است.

مسکن و خانواده: واحد مسکونی کانون و یا محور اصلی خانواده است واحد مسکونی باید شامل فضایی کافی برای غذا خوردن، دورهم نشستن، خوابیدن، فعالیت‌هایی از قبیل انجام دادن تکالیف کودکان و فعالیت‌های اساسی دیگر باشد.

مفهوم اقتصادی: مسکن در ثبات اقتصادی و بهزیستی خانواده نقش اساسی دارد این عامل از جنبه اجتماعی بسیار قوی برخوردار است زیرا دلایل فقر و بی‌سوادی به شمار می‌رود.

فرصت‌های شغلی: دوری و نزدیکی مسکن به محل کار هزینه‌های رفت و آمد از عوامل اساسی اقتصادی تأثیرگذار بر امر مسکن هستند. مسکن به‌مثابه نوعی سرمایه‌گذاری دارای مفهوم مهم اقتصادی است و به‌عنوان شکلی از پس‌انداز نیز منافع ویژه‌ای برای ساکنان در بردارد. ارزش آن به‌عنوان یک کالای مفید و مطلوب قابل توجه است برنامه‌های مسکن را می‌توان به صورتی تدوین کرد که منافع حاصل از آن به شکلی پس‌انداز شخصی به حداکثر برسد.

مشارکت: یکی از اثرهای مسکن مشارکت خانواده در اجتماع بزرگ‌تر است سهمیم بودن خانوار در ترکیب مشترک با دیگر اشکال خانواده اهمیت دارد. اجتماعات منسجم پایدار می‌توانند با مشارکت خود مسئولیت‌های پروژه تعاونی را به عهده گرفته و شرایط زیستی و بهزیستی سالم را فراهم نمایند. درک و شناخت ابعاد این موضوع برای طرح‌های مسکن پیامدهای گوناگونی را به همراه دارد. طرح‌های مسکن باید شکاف در بافت اجتماعی جامعه را به حداقل برسانند.

محیط مسکونی: نیاز به احساس برخورداری از محیط مسکونی مناسب و قرار گرفتن در فضای مسکونی که به امکانات، تسهیلات، خدمات بهداشتی، مراکز آموزشی، مراکز خرید و فروش، اماکن مذهبی و فرهنگی دسترسی داشته باشند، از اهمیت خاصی برخوردار است. احساس اینکه محیط مسکونی در زندگی اجتماعی سکونت ساکنان نقش دارد مورد توجه برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های مسکن است به این ترتیب در برخورد با مسکن دیدگاه‌ها و نگرش‌های متفاوتی وجود دارد. این دیدگاه‌ها در واقع بازتاب شرایط اجتماعی و اقتصادی هر جامعه‌ای که با توجه به امکانات آن جامعه تمامی یا بخشی از نیازهای سکونتی را در دوره‌ای از تحول اجتماعی در برمی‌گیرد به همین علت برخورد با مسئله مسکن در زمان و مکان و شرایط گوناگون جامعه تفاوت پیدا می‌کند (اهری، ۱۳۶۷: ۱۱-۷).

اهمیت مسکن: مسکن در زندگی اجتماعی و خانوادگی انسان اهمیت زیادی دارد به طوری که بعد از غذا و پوشاک یکی از نیازهای اساسی انسان محسوب می‌گردد. خداوند در قرآن کریم درباره اهمیت مسکن چنین فرموده است: و خدا قرار داد برای شما از خانه‌های شما آرامشگاهی... (قرآن کریم، سوره نحل، آیه شماره ۸۰).

در اصل سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است داشتن مسکن متناسب با نیاز حق هر فرد و خانواده ایرانی است و دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌هایی که نیازمندترند بخصوص روستائیان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. در حقیقت بهترین، پرسودترین، سریع‌ترین و مطمئن‌ترین حوزه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی سرمایه‌گذاری در حوزه زمین و مسکن است. مسکن علاوه بر اینکه سقفی را جهت زندگی برای افراد فراهم می‌کند منبع درآمد خوبی برای نیروی کار سازنده آن به حساب می‌آید. روانشناسان مسکن را به‌عنوان فضایی که آرامش روحی و روانی افراد را فراهم آورده و در تقلیل فشارهای اجتماعی مؤثر است می‌نگرد همچنین بخش عمده‌ای از فعالیت‌های تفریحی انسان در خانه به‌وسیله تلویزیون و رادیو... انجام می‌شود و قسمت عمده‌ای از اوقات انسان در مسکن سپری می‌شود (فصلنامه تخصصی مسکن و انقلاب، ۱۳۸۲). به‌طور کلی اهمیت مسکن در زندگی انسان شامل سرپناه، از نظر اقتصادی، از نظر اجتماعی، از نظر ایجاد اشتغال، از نظر روانی و از نظر پیشرفت‌های ارتباطی است (دلال پورمحمدی، ۱۳۷۹: ۶).

مسکن از نظر علم جغرافیا

واژه مسکن یا بوم^۱ از یک نظر جغرافیدان برخلاف آنچه یک شهرشناس از آن استفاده می‌کند مترادف با خانه نیست. از سویی جغرافیدانان آن را به معنای قلمرو زیست و مسکونی بکار نمی‌گیرند.

مورفولوژی زراعی به مطالعه در استقرار و اسکان قطعات زمین زراعی توجه دارد؛ و چشم‌انداز زراعی مشخص کننده شکل کشت، سکونتگاه، قطعات زراعی و سخنی روشن‌تر از اشکال هندسی و در واقع، قطعات است. در هر قلمرو زراعی مساکن روستایی بخش اساسی روستایی را تشکیل می‌دهد که به‌عنوان مجتمع تولیدی نمایانگر تولیدات کشاورزی است؛ که برحسب شرایطی چند شکل می‌گیرد و بر دو گونه تجمع در دل روستا و یا تفرق در فضای زراعی بستر جایگزین می‌شود.

بر اساس سرفصل‌های مختلف جغرافیایی مؤثر بر زندگی روستایی، طبقه‌بندی‌های مهم دیگری نیز وجود دارد که به شرح زیر است:

۱- طبقه‌بندی نقاط روستایی بر مبنای تمرکز و تفرق مساکن

۲- طبقه‌بندی نقاط روستایی بر اساس عوامل طبیعی

۳- طبقه‌بندی نقاط روستایی بر اساس عوامل انسانی

۴- طبقه‌بندی نقاط روستایی بر اساس نوع کارکرد (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۲۸)

نحوه پراکنش و ساختار مکانی سکونتگاه روستایی به عواملی چند بستگی دارد. ساختار مکانی در واقع نمود عینی عملکرد روندهای طبیعی-اکولوژیک، اجتماعی-اقتصادی است که بر اساس ویژگی‌های خاص طبیعی (توپوگرافی، منابع معدنی) و مانند آن و یا بر مبنای درونی و بیرونی یک واحد سکونتگاهی مشخص می‌شود. موقعیت طبیعی یک سکونتگاه با عوامل محیط طبیعی همچون پستی و بلندی، منابع آب و پوشش گیاهی، ارتباط مستقیم دارد.

^۱. Habitat

انواع مسکن

مسکن ارزنده‌ترین جلوه‌های رابطه‌های انسان با محیط بشمار می‌رود (بهوروز، ۱۳۵۶: ۱)

مسکن از نیازهای اساسی و اولیه است و از آن دسته مسائلی است که بشر همواره با آن دست به گریبان بوده و از آن به‌عنوان سرپناه و محل استراحت استفاده کرده است.

مسکن را می‌توان از دیدگاه‌های مختلفی بررسی کرد:

۱- پایداری (ثابت و متحرک)

مسکن را می‌توان از لحاظ پایداری به دو نوع کلی تقسیم کرد:

الف - مساکن (ناپایدار)، متحرک ب- مساکن (پایدار) ثابت

چادر مسکن قابل حمل و نقل است و از پوست، پارچه و یا موارد مشابه ساخته شده و روی ستون‌های برافراشته می‌شود که موقع حمل و نقل می‌توان آن را جمع کرد (فیلبرگ، ۱۳۷۳: ۵۶)

مساکن ثابت شامل تمامی مساکنی هستند که در انواع سکونتگاه‌های روستایی شاهد آن هستیم

همچنین در گروه بندی مساکن از لحاظ معماری و شکل استقرار، نوع مصالح و غیره می‌توان تقسیم‌بندی‌هایی متعددی مطرح کرد که در جای خود به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲- مکان ساخت مسکن

انواع مسکن را از نظر مکان تشکیل نیز می‌توان بررسی نمود:

الف- مساکن روستایی:

مساکن روستایی از آن دسته از مساکن هستند که بیشترین تطابق را با محیط جغرافیایی داشته و تأثیرات محیط طبیعی را به‌خوبی منعکس می‌کنند (تولون، ۱۳۷۴: ۱۵۷).

این مساکن اصیل‌ترین نوع مسکن مردم یکجانشین است؛ زیرا به لحاظ ضعف عمومی و تکنیکی در روستاها الزاماً حداکثر تبعیت در زمینه نوع مصالح و سبک معماری از طبیعت یعنی از محیط جغرافیایی پیرامون خود کرده‌اند.

ب- مساکن شهری:

مسکن شهری در محیط انسان‌ساخت است تا محیط طبیعی. مواد و مصالح ساختمانی به‌جزء قسمتی که در فرآیند

ساختمانی به دست می‌آید در دسترس نیست (ارجمندنیا، ۱۳۷۰: ۲۴)

۳- مساکن بر اساس عوامل جغرافیایی

الف- جلگه‌ای ب- کوهستانی ج- فلاتی یا مرکزی

جلگه‌ای. مساکن در سطح این نواحی بسیار متفرق و پراکنده است. (گیلان و مازندران) سقف‌های شیب‌دار، سفالی و شیروانی و سایر گونه‌ها و تجهیزات انسانی برتری دارد.

و به علت بالا بودن درصد رطوبت زمین‌های نمناک، مساکن به شکلی هستند که اثرات نم را خنثی نموده و برای

جلوگیری از نم زمین و جمع شدن آب باران، سطح عمومی اماکن را از سطح زمین بالاتر می‌سازند و برای دوام

بیشتر در مقابل رطوبت هوا، اسکلت ساختمان را بیشتر از چوب و سنگ که در منطقه فراوان یافت می‌شود بنا

می‌کنند (صفی نژاد، ۱۳۷۳: ۱۷۰-۱۶۰).

مصالح اولیه برای ساخت مسکن از جنگل‌های اطراف تأمین می‌شود و ساختمان مسکن در برابر باران‌های سنگین مقاوم و بام‌ها شیب تندی دارند و غالباً از ساقه برنج پوشیده شده‌اند.

امروزه در این ناحیه نمونه‌هایی وجود دارد که هر یک نشان دهنده کامل مسکن در این ناحیه است و ساده‌ترین نوع آن مسکن یک طبقه است که از مصالح سبک و ارزان قیمت ساخته شده و نوع پیشرفته آن مسکن است که از مصالح قدیمی ساخته شده‌اند و آب باران در این‌گونه مسکن به‌وسیله ناودان به پایین ساختمان انتقال می‌یابد. (مجتهدی، ۱۳۷۰: ۱۸۴).

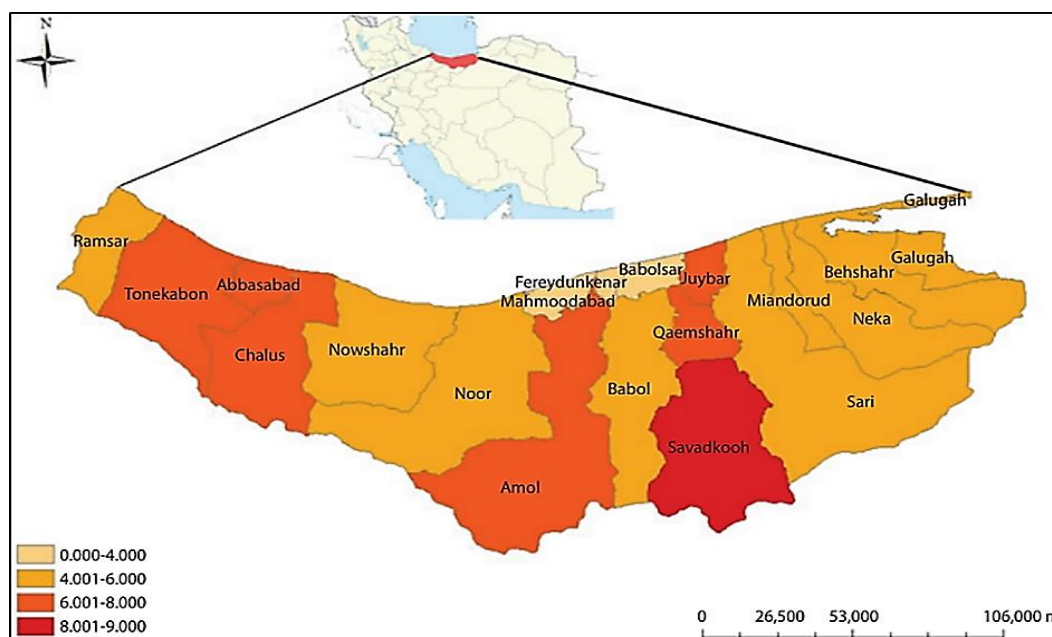
کوهستانی. مسکن در سطح کوهستانی به دلیل نقش امنیتی و دفاعی خود بر تصرف برخی از سکونتگاه‌های روستایی در آمده است.

مسکن معمولاً فشرده و به‌صورت پلکانی بر روی سطوح پرشیب گسترش یافته‌اند. بافت روستا متراکم، کوچه‌ها و معابر باریک و کم عرض و این امر موجب رشد ارتفاعی مسکن گردیده است؛ و تعداد این سکونتگاه‌ها در سطح جهان و ایران بسیار زیاد و درخور توجه است (رجائی، ۱۳۷۳: ۷۷-۷۶).

مسکن فلاتی یا مرکزی (روستا‌های بیابانی و حاشیه کویر): در نواحی مرکزی و جنوبی کشور یعنی نواحی خشک و بیابانی که با مسئله کمبود آب و گرما مواجه هستند روستائیان مجبور می‌شوند که خانه‌های خود را از چوب و گل و آجر بسازند و در منازل خود به تأسیس سقف‌های مدور و گنبدی با بادگیرها اقدام ورزند تا گرما در سطح بیشتری از سقف پخش شود و همچنین فضای زیر سقف به‌طور نسبی خنک‌تر بماند (بهفروز، ۱۳۵۶: ۲۳۲).

قلمرو جغرافیایی تحقیق

دهستان لفور، دهستانی از توابع بخش مرکزی شهرستان سوادکوه شمالی در استان مازندران است. شهرستان سوادکوه شمالی در سال ۱۳۹۲ به مرکزیت شهر شیرگاه در شهرستان سوادکوه ایجاد شد. سوادکوه شمالی از ترکیب بخش‌های نارنجستان و مرکزی جزو استان مازندران است.



نقشه ۱: استان مازندران منبع: (<https://www.e-epih.org>)

طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهرستان برابر با ۴۳۰۹۱۳ نفر و جمعیت منطقه ۶۸۰۷۴۷ نفر است و مساحت آن به ۲۰۷۸ کیلومتر مربع می‌رسد. این شهرستان با تراکم نسبی جمعیت ۳۲/۹ نفر در هر کیلومتر مربع مساحت، دارای یکی از پائین‌ترین میانگین در سطح شهرستان‌های استان مازندران است.



نقشه ۲: موقعیت شهرستان سوادکوه در نقشه ایران منبع: (<https://gadm.org>)

شهرستان سوادکوه از بخش‌های مرکزی و زیرآب و از شهرهای پل سفید، زیرآب و آلاشت تشکیل شده است. در سال ۱۳۹۲ نام بخش شیرگاه به مرکزیت شهر شیرگاه به شهرستان سواد کوه شمالی تغییر کرد. این شهرستان از دهستان‌های راستویی با ۶۰ آبادی، ولویی با ۳۲ آبادی، سرخ‌کلا با ۱۷ آبادی و کسلیان با ۱۶ آبادی تشکیل شده است.

۱- بخش مرکزی شهرستان سوادکوه

۱. دهستان راستویی

۲. دهستان ولویی

- شهرها: پل سفید، آلاشت

۲-بخش زیرآب

۱. دهستان سرخ‌کلا

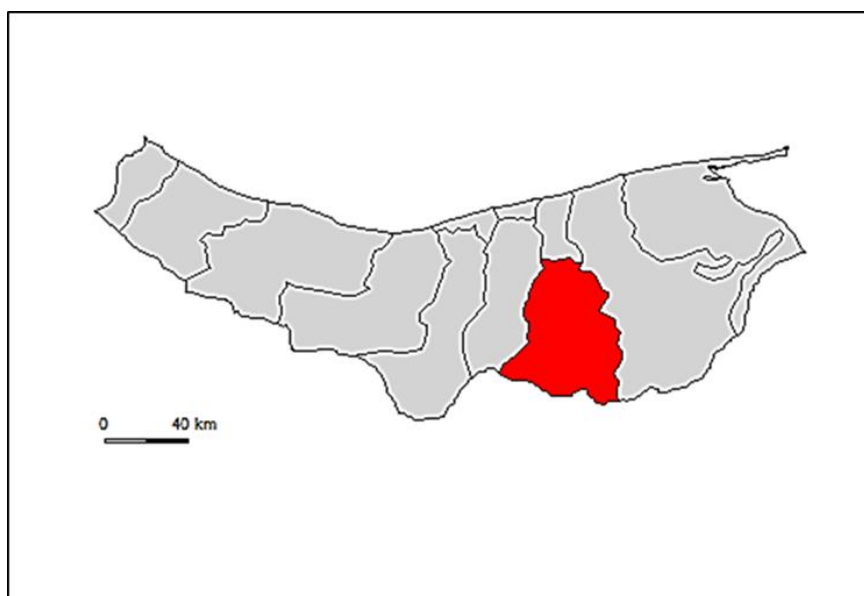
۲. دهستان کسلیان

- شهرها: زیرآب

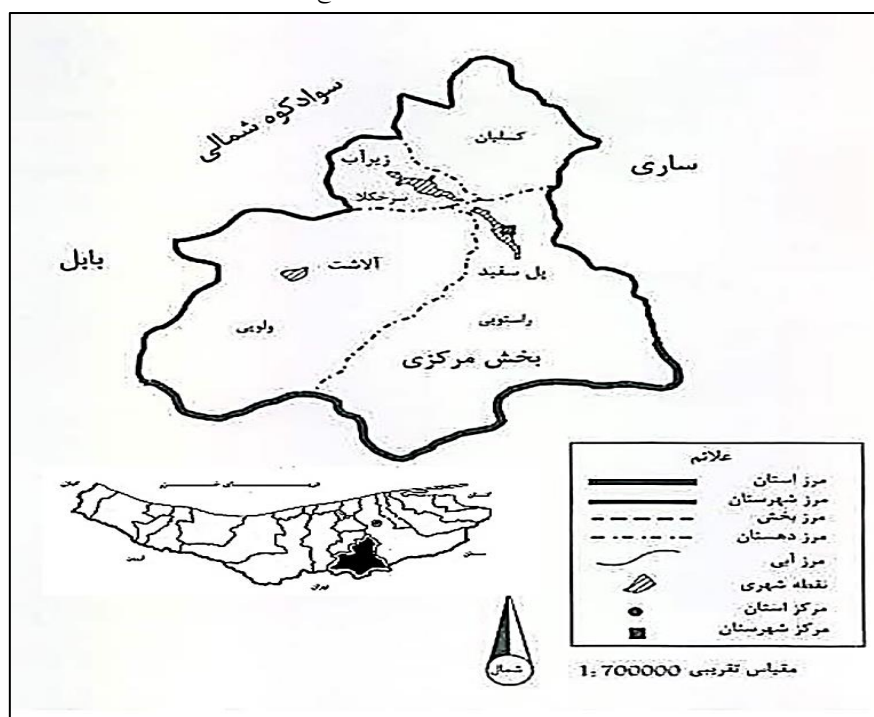
- شهرستان سوادکوه شمالی از سمت شمال به شهرستان قائم‌شهر، از سمت جنوب به شهرستان سوادکوه، از سمت غرب به شهرستان بابل و از سمت شرق به شهرستان ساری محدود است. روستای لغور از سمت جنوب به رشته‌کوه‌های البرز، از غرب به شهرستان بابل، از سمت شرق به جنگل و از سمت شمال نیز به جنگل‌های بخش شیرگاه می‌رسد.

- دهستان لغور از ۲۹ آبادی و روستا تشکیل شده است که مهم‌ترین روستاهای آن عبارت‌اند از [نفتچال] (شامل روستای نفت چال و آبادی‌های پلیکا، سیاهکلا، قاضی‌کلا، پاک، تاشیه، سوته، تپه سر، خربمرد)، بورخانی، دهکلان، لغورک، گشنیان، شاهکلا، مرزیدره، پاشاکلا، میرارکلا، اسبوکلا، چاشتخوران و

امام کلا(شاه کلا)، چاکسرا، حجیکلا، درزیکلا، رئیس کلا، رنگو، سنگسی، شارقلت، عالم کلا، غوزک رودبار، کالیکلا، کفاک، گالش کلا، لودشت و مرزی دره است. دهستان لغور از مجموعه دره‌ها و ارتفاعات تشکیل شده است که بلندترین نقطه آن بنام روستای بورخانی، ۶۵۱ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. حوزه ارتفاعات و دره‌های لغور شامل ارتفاعات منطقه امام کلا و دره مرزیدره، دره میرارکلا، دره آذز (خریمرد) ارتفاعات اسبوکلا و دره موزین را تشکیل می‌دهند که ارتفاع آن‌ها از غرب به شرق و متمایل به سمت رشته کوه البرز افزایش می‌یابد که این دره‌ها و ارتفاعات به دره‌ها و ارتفاعات وسو منطقه لغور را در غرب شهرستان سوادکوه پدید آورده‌اند که دارای جنگل‌های انبوه و بسیار زیبایی است.



نقشه ۳: موقعیت شهرستان سوادکوه در استان مازندران منبع: (<https://gadm.org>)



نقشه ۴: تقسیمات داخلی شهرستان سوادکوه منبع: (<http://meidoun.ir>)

آب و هوای استان مازندران

استان مازندران که در جلگه شمالی ایران واقع شده است، به دلیل هم‌جواری با دریای خزر، منطقه آب‌وهوایی معتدل و مرطوب دارد. این رطوبت با وجود ارتفاعات رشته‌کوه البرز در جنوب جلگه، موجب بارندگی‌های نسبتاً زیاد منطقه می‌شود. به همین ترتیب سراسر استان مازندران، شهرستان سوادکوه و روستای بورخانی و گالشکلا را جنگل و مراتع حاصلخیز تشکیل می‌دهند. لذا استان مازندران را بر اساس خصوصیات دما و بارش و توپوگرافی منطقه می‌توان به دو نوع آب و هوای معتدل خزری و آب و هوای کوهستانی تقسیم کرد. آب و هوای کوهستانی خود شامل دو نوع: معتدل کوهستانی و سرد کوهستانی می‌شود.

آب و هوای معتدل خزری

این نوع اقلیم جلگه‌های غربی و مرکزی استان تا کوهپایه‌های شمالی البرز را شامل می‌شود. در این نواحی به دلیل کمی فاصله کوهستان و دریا، رطوبت تجمع می‌یابد که به‌عنوان پیامد آن می‌توان بارش‌های قابل ملاحظه و دمای معتدل را ذکر کرد. میانگین بارندگی سالیانه در نوار ساحلی استان برابر با ۹۷۷ میلی‌متر است. توزیع مکانی آن از غرب به شرق با کاهش همراه است در حالی که توزیع زمانی آن وضعیتی کمابیش منظم دارد (حداکثر بارندگی در پاییز و حداقل آن در بهار اتفاق می‌افتد). در بررسی پارامتر درجه حرارت نیز مشاهده می‌شود که به دلیل رطوبت نسبی بالا و زیاد بودن تعداد روزهای پوشیده از ابر دمای هوا معتدل و دامنه دمایی محدود است که این وضعیت منجر به تابستان‌های گرم و مرطوب و زمستان‌های معتدل با یخبندان‌های اتفاقی می‌گردد.

اقلیم استان مازندران

با توجه به اینکه اقلیم این منطقه معتدل و مرطوب است، سراسر استان مازندران، شهرستان سوادکوه و روستای بورخانی را جنگل و مراتع حاصلخیز تشکیل می‌دهند و این روستا در بستری از جنگل‌های کوهستانی جای گرفته است؛ و اما اقلیم شهرستان سوادکوه شمالی، این شهرستان دارای آب و هوای معتدل خزری است. در تقسیم‌بندی آب و هوایی آن را در ردیف آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای قرار می‌دهند زیرا تا اندازه زیادی تحت تأثیر بادهای غربی که منشأ مدیترانه‌ای دارند است. از مشخصات عمده آب و هوایی منطقه بارش زیاد و ماکزیمم آن در فصل پاییز است. میزان متوسط سالانه آن در حدود ۹۹-۸۰۰ میلی‌متر است و بارندگی در تمام فصول مشاهده می‌شود و فصل کاملاً خشک تقریباً وجود ندارد. بارندگی پاییز و زمستان در این شهرستان به‌وسیله عوامل جهان اقلیمی مانند بادهای غربی و توده هوای شمال شرقی با منشأ سیبری به وجود می‌آید. عوامل جغرافیایی یا زمین اقلیمی مانند ارتفاع، پوشش گیاهی و درجه بری بودن (دوری و نزدیکی به دریای خزر) عوامل فوق را تقویت می‌کنند. بارندگی‌های تابستان و بهار در شهرستان مستقیماً تحت تأثیر عوامل زمین اقلیمی یا جغرافیایی است. بارش در ارتفاعات این شهرستان به‌صورت برف در نواحی کم ارتفاع و دشت به‌صورت باران است (مطالعات توسعه‌ای شهرستان سوادکوه شمالی، ۱۳۹۳). قلمرو مکانی مورد مطالعه این مقاله استان مازندران، شهرستان سوادکوه، بخش شیرگاه، دهستان لفور است که این دهستان دارای ۲۹ روستا است که از بین روستاهای مورد نظر دهستان لفور بر اساس عوامل معیار

قدمت و تاریخ طولانی روستا، جمعیت و مهاجرت کم و فاصله زیاد روستاها از شهر، نمونه‌های نهایی برای تحلیل و سنجش، (دو روستای گالش کلا و بورخانی) انتخاب شدند.

اقلیم منطقه سوادکوه

منطقه سوادکوه در یک دره وسیع طولانی و در دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های البرز مرکزی واقع شده است. حوزه کلی این ناحیه از منتهی‌الیه جلگه‌های جنوبی و ۳۰ کیلومتری دریای خزر آغاز شده و با شیب بسیار تند به سوی جنوب کشیده می‌شود. پوشش ارتفاعات تا بلندی ۲۰۰۰ متری سرسبز و جنگلی و از آن به بعد مرتعی، خشک با آب و هوای سردسیری است. جهت شرقی و غربی این ارتفاعات به موازات سواحل دریای خزر مانع و سد بزرگ برای تبادل جریان‌های جوی بین این دریا و فلات مرکزی یاران بوده و جریان‌های غربی به همراه ابرهای باران‌آور که از غرب اروپا به ایران می‌رسند در کنار دیواره‌های ستبر و غول پیکر این کوهستان محبوس شده و باعث ریزش برف و باران فراوان و سودمند می‌شوند. واحد مرکزی این رشته کوه‌ها در سوادکوه قرار دارد. ارتفاعات و تپه ماهورهایی که از جنوب به شمال کشیده شده‌اند به سرعت بلندی خود را از دست می‌دهند و به جلگه مازندران و بر حاشیه جنوبی شهرستان قائم شهر منتهی می‌شوند. آبادی‌های فراوانی نیز در دل این ارتفاعات قرار داشته و در سطح منطقه پراکنده‌اند.

دهستان راستویی از مجموعه کوه‌هایی تشکیل شده که بلندترین نقطه آن به نام قله اتابک، ۳۲۷۱ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. حوزه ارتفاعات و دره‌های شفلین نیز منطقه ولویی را تشکیل می‌دهند که ارتفاع آن‌ها از جنوب به شمال و متمایل به شرق کاسته شده و بلندترین نقطه این ناحیه نیز ۳۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. شهر آلاشت در ارتفاع ۱۸۰۰ متری شیب شرقی این ناحیه واقع شده است. اختلاف ارتفاع زیاد در فواصل اندک و بالا بودن میانگین شیب زمین سبب شده است که آب و هوا و پوشش گیاهی سوادکوه به شکل بسیار متنوع و متفاوتی جلوه‌گر شود. بارش در ارتفاعات این منطقه به صورت برف در نواحی کم ارتفاع شمالی به صورت باران است. نواحی قشلاقی آن در ارتفاع ۲۰۰ الی ۷۵۰ متر و ارتفاع بالا از ۱۷۰۰ متری تا نواحی بیلاقی و مراتع، کاملاً متمایز از یکدیگرند. مراتع این ناحیه از بهترین و غنی‌ترین انواع در سطح کشور به شمار می‌روند.

یافته‌های تحقیق

تأثیر اقلیم بر طراحی معماری محدوده مورد مطالعه

در واقع جهت آگاهی از نحوه شکل‌گیری انواع زبان‌های الگوی معماری در مناطق روستایی شناخت محیط طبیعی به‌عنوان بستری که چشم‌اندازهای متفاوتی در آن شکل می‌گیرد و همچنین ویژگی‌های عوامل انسانی ناحیه، اهمیت می‌یابد. البته شناخت محیط و نیروی انسانی از جمله عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری معماری بومی و انواع الگوهای آن‌هاست. لذا شناخت محیط جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی جزء مطالعات بنیادین و لاینفک هر تحقیق است. چون محیط، بستر شکل‌گیری هر نوع رفتار، پدیده یا فعالیت است و از طریق ارزیابی آن می‌توان علت و روابط بین آن‌ها را کشف و در نهایت بر اساس شناخت مشخصات هر منطقه می‌توان در راستای معماری و توسعه

پایدار برنامه‌ریزی کرد که بر این اساس پژوهشگر به ویژگی‌های کلی معماری بومی این دو روستا در ذیل اشاره می‌کند:

در نواحی بسیار مرطوب این مناطق برای حفاظت ساختمان از رطوبت بیش از حد زمین، خانه‌ها بر روی پایه‌های چوبی ساخته شده‌اند و در دامنه کوه‌ها که رطوبت کمتر است معمولاً خانه‌ها بر روی پایه‌های سنگ و گل و در پاره‌ای موارد بر روی گربه‌روها بنا شده‌اند.

برای حفاظت اتاق‌ها از باران، ایوانک‌های عریض و سرپوشیده‌ای در اطراف اتاق‌ها ساخته‌اند. این فضاها در بسیاری از ماه‌های سال برای کار و استراحت و در پاره‌ای موارد برای نگهداری محصولات کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بیشتر ساختمان‌ها با مصالحی با حداقل ظرفیت حرارتی بنا شده‌اند و در صورت استفاده از مصالح ساختمانی سنگین ضخامت آن‌ها در حداقل میزان ممکن حفظ شده است. در این مناطق بهتر است از مصالح ساختمانی سبک استفاده شود. چون زمانی که نوسان دمای روزانه هوا کم است ذخیره حرارت هیچ اهمیتی ندارد و علاوه بر این مصالح ساختمانی سنگین تا حدود زیادی تأثیر تهویه و کوران را که یکی از ضروریات در این منطقه است کاهش می‌دهند. در تمام ساختمان‌های این مناطق بدون استثنا از کوران و تهویه طبیعی استفاده می‌شود. به‌طور کلی پلان‌های گسترده و باز فرم کالبدی آن‌ها بیشتر شکل هندسی طولی و باریک است. به‌منظور حداکثر استفاده از وزش باد در ایجاد تهویه طبیعی در داخل اتاق‌ها جهت قرارگیری ساختمان‌ها با توجه به جهت وزش نسیم‌های دریا تعیین شده است. در مناطقی که بادهای شدید و طولانی می‌وزند قسمت‌های رو به باد ساختمان‌ها کاملاً بسته است. به‌منظور استفاده هرچه بیشتر از جریان هوا همچنین به دلیل فراوانی آب و امکان دسترسی به آن در هر نقطه ساختمان‌ها به صورت غیرمتمرکز و پراکنده در مجموعه سازمان‌دهی شده است. به دلیل بارندگی زیاد در این مناطق بام‌ها شیب دارد و شیب بیشتر آن‌ها تند است.

همچنین پژوهشگر با منطبق کردن شرایط حرارتی مناطق معتدل و مرطوب بر جدول زیست‌اقلیمی ساختمان دریافت که مشکل عمده در این مناطق، رطوبت زیاد هوا در تمام فصول سال است؛ از این رو مهم‌ترین عامل ایجاد آسایش در ساختمان‌های این مناطق برقراری و تداوم کوران در فضای داخلی است؛ بنابراین در طراحی ساختمان برای این مناطق باید مسئله ایجاد کوران در داخل ساختمان مورد توجه خاصی قرار گیرد لذا در این مورد توجه به نکات زیر دارای اهمیت فراوانی است:

ارتفاع ساختمان از سطح زمین یکی از عوامل تعیین‌کننده میزان فشار باد بر ساختمان و در نتیجه میزان استفاده از باد در ایجاد تهویه طبیعی در آن است. ساختمان‌هایی که بلندتر از درختان و ساختمان‌های اطراف خود هستند نسبت به سایر ساختمان‌ها شرایط بهتری برای تهویه طبیعی دارند. برج‌های مرتفع که ارتفاعشان از ساختمان‌های کوتاه اطراف بیشتر است نه تنها از شرایط تهویه مناسبی برخوردارند بلکه در بهبود شرایط تهویه ساختمان‌های اطراف خود نیز نقش عمده‌ای دارند ولی این ساختمان‌ها در زمستان در معرض وزش بادهای شدید و بارندگی قرار دارند و به همین دلیل باید تدابیری اندیشید که از نفوذ آب باران به داخل دیوارها جلوگیری شود.

به‌طور کلی در این مناطق مرطوب به دلیل اهمیت ایجاد کوران جهت ساختمان باید با توجه به جهت وزش بادهای مطلوب به‌گونه‌ای تعیین شود که بیشترین استفاده از جریان باد در ایجاد کوران در فضاهای داخلی به عمل آید. البته

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|--|
| ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | دیوار کوتاه خانه‌ها |
| ✓ | | | | | دیوارهایی با جنس چوبی |
| | | | | ✓ | بام‌های شیب‌دار |
| | | | | ✓ | بام‌هایی از جنس حلب (پیت‌های پرس شده) |
| | | | | ✓ | بام‌هایی از جنس چوب و کاه |
| | | ✓ | | | ارتفاع کوتاه بازشوها (درها) |
| | | | ✓ | ✓ | استفاده از مصالح بوم‌آورد چوب جهت آسایش حرارتی بنا |
| ✓ | | | | ✓ | تعبیه ایوان سراسری چوبی جهت آسایش حرارتی بنا |
| | | ✓ | | | پرچین کوتاهی از شاخ و برگ گیاهان به‌عنوان حفاظ بنا |
| | | ✓ | ✓ | ✓ | تراکم متوسط خانه‌ها در سطح روستا |
| ✓ | | | ✓ | ✓ | تعداد طبقات خانه |
| ✓ | ✓ | | | | کارکرد طبقه اول: زمستان نشین و عمومی، بدون اتاق، پنجره کم، جهت نگهداری دام و علوفه و انبار |
| | | ✓ | | | کارکرد طبقه دوم: تابستان‌نشین، مهمان و پذیرایی، ایوان، پنجره زیاد، اتاق‌ها |
| | | | | | تعداد کم اتاق‌ها |
| | | | | | اندازه کوچک اتاق‌ها |
| | | | | | شکل تو در توی اتاق‌ها |
| | | | | | ارتفاع کوتاه اتاق‌ها |
| | | | | ✓ | پی سنگی با ملات ماسه و سیمان خانه‌ها |
| | | | | | جمع |

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

بر اساس یافته‌های پژوهش و با توجه به جداول، معماری روستایی در واقع یک نوع معماری عامیانه، خودجوش، بدیهه‌ساز و وفادار به طبیعت است که عناصر و اجزای کارکردی و کالبدی آن متأثر از طبیعت، اقتصاد و معیشت روستاییان است که اقتصاد معیشتی، معماری روستایی را غنی می‌ساخته است؛ به‌طور کلی، معماری بومی روستایی تحت تأثیر عوامل گوناگون جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است که در اینجا همه عوامل مهم و مؤثر در شکل‌گیری معماری روستایی از قبیل طبیعت و زیرشاخه‌های آن، اقتصاد، فرهنگ و زیرشاخه‌های آن در یک حوزه جغرافیایی خاص مورد بررسی قرار گرفت.

در شکل‌گیری معماری بومی برخی روابط اجتماعی و اقتصادی با محیط طبیعی و نمادهای فرهنگی، ماهرانه انعکاس می‌یابند، به‌نحوی که همزمان، سادگی و آرایش در آن‌ها تجلی یافته است. تدابیر به کار گرفته شده در معماری بومی روستایی، همواره حکایت از احترام و هماهنگی زندگی و کالبد روستاها با طبیعت پیرامون خود دارد از جمله این هماهنگی می‌توان به استفاده از مصالح بوم‌آورد اشاره کرد، وقتی مصالح بوم‌آورد باشد و نیروی کار نیز افراد خانواده و همسایگان باشند، قیمت ساختمان ارزان تمام می‌شود و هزینه چشمگیری را به اقتصاد خانواده وارد نمی‌کند. در واقع، اساس اندیشه روستانشینان بر کاهش هزینه‌ها و افزایش قابلیت‌ها و دوام مصالح بومی برای ساخت سرپناه برای خانواده و فضاهای مناسب برای محصولات و عوامل تولیدی است. روستاییان با شناخت عوامل جغرافیایی، به-

خصوص در شناخت مصالح، دست به عملی قابل توجه زدند و با کاربرد ساخت‌مایه بوم‌آورد که مرتبط و در انطباق با اقلیم و جغرافیای هر منطقه بوده است، فضایی برای پایداری معماری بومی روستایی ایجاد کرده‌اند. استفاده از مصالح بومی برای شکل‌دهی به محیط و ساخت سرپناه، نشان‌دهنده نقش تعیین‌کننده طبیعت در شکل‌گیری و هویت کالبدی روستاهاست. معماران روستایی در اقلیم‌های مختلف، بعد از شناخت دقیقی که از ناهمواری‌ها، خصوصیات زمین و آب و هوا پیدا می‌کردند، می‌دانستند که مصالح بومی را چگونه و به چه صورت مورد استفاده قرار داد تا مصرف انرژی در اقلیم مربوطه بهینه باشد. با وجود آنکه همواره تلاش بر این بوده است تا سکونتگاه‌های روستایی در مناطق مناسبی ساخته شوند، اما با توجه به گستردگی و تنوع اقلیمی در کشور، کمتر مناطقی در طول سال دارای هوای معتدل مستمر هستند؛ بر این اساس، خانه‌های روستایی به‌گونه‌ای برپا می‌شوند که تا جای ممکن از گزند عوامل مخمل در امان بمانند و در عوض، از توان‌های طبیعی بهره‌مند گردند.

در نهایت با تحلیل جداول می‌توان الگوهای معماری متأثر از محیط را در راستای معماری پایدار روستاهای مورد مطالعه این پژوهش ارائه کرد که هر یک از این الگوها به‌نحوی در معماری سنتی این مرز و بوم قابل شناسایی است: - به حداقل رساندن بهره‌برداری از منابع تجدیدنپذیر و به‌کارگیری انرژی‌های طبیعی و تجدیدپذیر از طریق جهت‌گیری شرقی بنا؛

- قرارگیری مناسب فضاها در داخل بنا جهت استفاده اقلیمی از فضاها (ساخت بناها در دو طبقه)؛

- ارتقاء کیفیت محیط‌زیست و گسترش محیط‌زیست طبیعی از طریق استفاده مناسب از فضای

- از بین بردن یا به حداقل رساندن مصرف مواد آلوده و سمی

- حفظ هویت فرهنگی و قومی

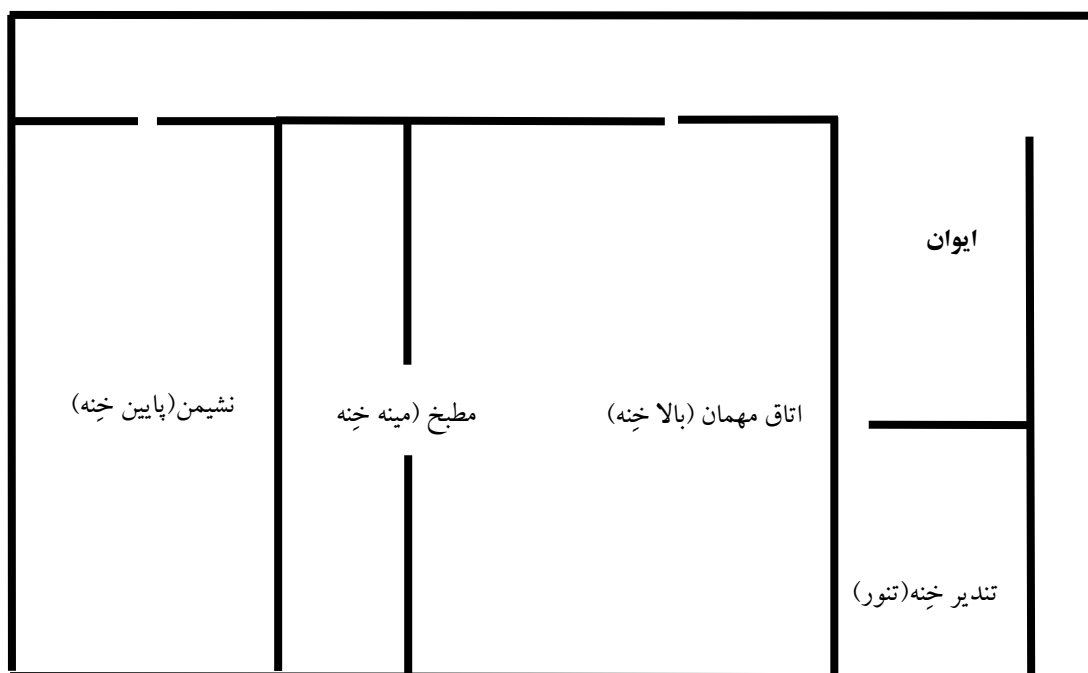
- استفاده خردمندانه از زمین و همگونی شکل ساختمان با محیط‌زیست (فرو رفتن در دل خاک به‌منظور استفاده از ظرفیت حرارتی خاک در تابستان و زمستان)

- اقتصادی بودن ساخت‌وساز با استفاده از فناوری‌های جایگزین، استفاده از مصالح مناسب و بومی سازگار با اقلیم (چوب)

- هماهنگ‌سازی ساختمان با محیط و استفاده از روش‌های ساخت‌وساز با مصالح بومی (روش‌های بومی ساخت کلی و لارده‌ای) (تصویر ۱ و تصویر ۲).



تصویر ۱: ساخت و ساز بومی در روستای گالش کلا منبع (عکس از محققین ۱۳۹۷)



تصویر ۲: کروکی خانه های روستا به طور معمول
منبع (عکس از محققین ۱۳۹۷)

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

زبان و زبان‌شناسی در دهه‌های اخیر در رشته‌های مختلف از جمله معماری و شهرسازی مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. کریستوفر الکساندر (۱۹۷۹) بر اساس ساختار زبان به معرفی یک زبان الگویی برای معماری و طراحی شهری می‌پردازد. در امتداد تاریخی این سلسله جریان فکری بر سر الگوها، اشاره کریستوفر الکساندر در نظریه معروف زبان الگو نخستین نقطه روشن در ارائه الگوهای کاربردی در آمیخته با زندگی است که از حیث وقوع و رویداد الگوها در محیط به موضوع پرداخته و تجربیات آن به‌عنوان رویکردی مناسب برای روش‌شناسی پژوهش حاضر اتخاذ گردیده است. انتقادی که می‌توان بر او گرفت آزمون جامعیت نگرش و ارجاع پرسش از الگو به ریشه‌های وجودی آن‌هاست. به طوری که هیچ ابهامی در کیفیات و حالات ممکن و ملزم الگوها باقی نماند. به این حالات در تئوری الکساندر، اشاره‌ای نشده است و بررسی کیفیت الگوها نیز تنها به لحظه رویداد آن‌ها در محیط یا رفتار، محدود گردیده است.

معماری بومی ترجمان بی‌واسطه و ناخودآگاه نیازها، ارزش‌ها، باورها و آرزوهای اکثریت مردم جامعه در یک فرم خاص و گویای فرهنگ عامه است. لذا در امر معماری و ترکیب فضاهای مسکونی مناطق روستایی باید به عادت‌ها و نیازهای مردمی توجه شود که در آنجا زندگی می‌کنند. البته تفاوت‌هایی از لحاظ ویژگی‌های طبیعی، تاریخی، اجتماعی - اقتصادی نیز در این امر دخالت دارند. با توجه به اینکه در معماری محلی، خانه‌های مسکونی به وسیله سازنده‌های صرف مسکن ساخته می‌شود با این وجود الگوهایی در ساخت آن مورد استفاده قرار می‌گیرد که برای عامه مردم معنا و مفهوم دارد. این الگوها پاسخگوی وضع اقتصادی حاکم بر جامعه و شرایط آب و هوایی منطقه‌اند.

از این رو معماری محلی هنری عامه‌پسند است و عوامل مهم اجتماعی را در خود جای داده است. آنچه از تحلیل جداول بر مبنای هدف پژوهش به دست آمد و اکنون بر آن تاکید می‌شود معماری بومی منطقه مورد مطالعه است بر همین اساس گویه‌های تأثیرگذار بر معماری بومی روستایی منطقه عوامل متعددی را شامل می‌شود که عبارتند از:

۱- زمین: که بیشترین اثرگذاری را در شکل بام‌های خانه‌های بومی روستایی، تعداد طبقات خانه‌ها و نوع پی‌سازی خانه‌های بومی داشته است.

۲- آب: که بیشترین اثرگذاری را به ترتیب در نوع پی‌سازی خانه‌های بومی، استفاده از مصالح بوم آورد جهت آسایش حرارتی بنا، تعداد طبقات خانه و اختصاص کارکرد طبقه اول به فضاهای خدماتی بنا داشته است.

۳- پوشش گیاهی: به ترتیب در استفاده از پرچین به عنوان حفاظ در اطراف بنا، دیوارکشی خانه‌ها و تراکم متوسط خانه‌ها در سطح روستا بیشترین تأثیر را داشته است.

۴- عامل تابش و دما: بیشترین اثرگذاری را به ترتیب در تعبیه تعداد پنجره‌های بنا، فرم مستطیل شکل بناها و استفاده از مصالح بوم آورد برای ساخت خانه‌های بومی منطقه داشته است.

۵- عامل بارش و رطوبت: بیشترین اثرگذاری را به ترتیب در تعبیه بام‌های شیبدار، تعداد زیاد پنجره‌ها و تعبیه ایوان سراسری چوبی جهت آسایش حرارتی برای ساخت خانه‌های بومی منطقه داشته است.

۶- عامل باد (شدت و جهت): مؤثر در تراکم متوسط خانه‌ها در سطح روستا، فرم پلان و پنجره خانه‌ها و استفاده از مصالح بوم آورد جهت آسایش حرارتی برای ساخت خانه‌های بومی.

۷- روابط قومی و همسایگی: بیشترین اثرگذاری را به ترتیب بر ارتفاع دیوارها، تراکم متوسط خانه‌ها در سطح روستا و تعداد طبقات خانه‌ها داشته است.

۸- تأثیر امنیت اجتماعی و حفظ حریم‌ها: که می‌توان بیشتر در گویه‌های تعداد و فرم پنجره‌ها و دیوارکشی اطراف خانه‌ها مشاهده کرد.

۹- اعتقادات و باورهای فرهنگی مردم منطقه: بیشترین تأثیر را بر میزان ارتفاع بازشوها و پرچین اطراف خانه‌ها و کاربری مسکونی طبقه دوم خانه‌ها داشته است.

۱۰- آیین‌ها و رسوم مردم منطقه: مؤثر بر تعداد و فرم پنجره‌ها و ارتفاع دیوار اطراف خانه‌ها.

۱۱- دین و مذهب مردم منطقه: مؤثر بر تعداد پنجره‌ها و اختصاص طبقه اول خانه‌ها به فضای خدماتی و ارتفاع دیوار اطراف خانه‌ها.

۱۲- شیوه معیشت مردم منطقه: بیشترین تأثیر را بر عملکرد فضاهای داخلی خانه‌ها، تعداد طبقات خانه و تعبیه ایوان سراسری داشته است.

برخورداری بافت و معماری روستایی از زیبایی اکولوژیکی، استفاده از مصالح بومی، هماهنگی با شرایط محیطی در استقرار بافت و ساخت و ساز مسکن، قرار گرفتن روستاها در بستر طبیعی و برخورداری از مناظر و چشم‌اندازهای طبیعی از مهم‌ترین امتیازهای روستا محسوب می‌شود. بر این اساس بیشترین رویکرد تأثیرگذار در رابطه با زبان الگوی معماری بومی مربوط به رویکرد کاربردی و تأثیر عوامل محیطی در طراحی و فرم خانه‌های بومی برای تأمین نیازها و ایجاد آسایش نسبی ساکنین است که با استفاده و اجرای این عوامل و رویکردها در ساخت مسکن و

معماری روستایی می‌توان گامی مؤثر برای توسعه پایدار روستاها در جهت پایداری محیط و نیز برنامه‌ریزی میان مدت روستایی برداشت که این خود می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در کاهش مهاجرت روستائیان به شهرها و نیز زیبایی شناخت منظر روستایی باشد.

منابع

- ارجمندیان اصغر (۱۳۷۰)، جمعیت و مسکن، مجله محیط شناسی، شماره ۱۶
- اهری، زهرا و همکاران (۱۳۶۷)، مسکن حداقل، تهران: انتشارات مرکز
- بحرینی، سید حسین (۱۳۸۸)، طراحی شهری معاصر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۹۳)، مطالعات توسعه ای شهرستان سوادکوه
- بنیاد مسکن و انقلاب اسلامی استان گیلان (۱۳۷۷)، طرح جامع بهسازی مسکن روستایی، معاونت زمین و مسکن
- بهروز، فاطمه (۱۳۵۶)، پژوهی های در مسکن روستائیان منطقه بیابانی شرق کاشان، دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران
- ترابی، زهره و شهام اسدی و علیرضا جزیری (۱۳۹۴)، انطباق نظریات کریستوفر الکساندر با کهن الگوهای ایرانی، دومین کنفرانس بین-المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.
- تولون، ب (۱۳۷۴)، جغرافیای سکونت (سکونتگاههای روستایی) ترجمه محمد مظاهری، انتشارات تربیت معلم
- دلالت پور محمدی، محمدرضا (۱۳۷۹)، برنامه ریزی مسکن، انتشارات مهر
- راهب، غزال (۱۳۹۳)، الگویی برای طراحی مسکن روستایی مبتنی بر مشارکت و تأمین نیازهای ساکنین، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶، صص ۲۲-۳.
- رجائی، عبدالحمید (۱۳۷۳)، کاربرد ژئومورفولوژی در آمایش سرزمین (مدیریت محیط، نشر قومس
- سعیدی، عباس (۱۳۷۵)، شیوه های سکونت گزیزی و گونه های مسکن روستایی، انتشارات بنیاد و مسکن انقلاب اسلامی
- سعیدی، عباس (۱۳۷۹)، مبانی جغرافیای روستایی، تهران: انتشارات سمت
- صفی نژاد، جواد (۱۳۷۳)، مبانی جغرافیایی انسانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- فیلبرگ، س، ج (۱۳۷۳)، سیاه چادر مسکن کوچ نشینان و نیمه کوچ نشینان در تاریخ ترجمه اصغر کریمی، انتشارات قدس رضوی
- مجتهدی، احمد (۱۳۷۰)، مقدمه ای بر جغرافیای سکونت در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیای شماره ۲۲
- Moeini, A. (2018). Geography and Historical Geography of Gorgan and Plain. Tehran: Book Printing Corporation.
- Salingeros, Nikos (20120). "Architecture, Patterns, and Mathematics", Nexus Network Journal, vol 1 pp. 75-15. Electronic version available from.
- <https://www.e-epih.org>
- <https://gadm.org>
- <http://meidoun.ir>